روشنی هر نامه نام زندۀ پاینده بوده

حضرت بهاءالله

اصلی فارسی



**روشنی هر نامه نام زنده**

**پاينده بوده**

﴿ای بنده‌گان﴾ سزاوار اينکه در اين بهار جان فزا از باران نيسان يزدانی تازه و خرّم شويد خورشيد بزرگی پرتو افکنده و ابر بخشش سايه گُسْترده با بهره کسی که خود را بی بهره نساخت و دوست را در اين جامه بشناخت بگو ای مردمان چراغ يزدان روشن است آن را ببادهای نافرمانی خاموش منمائيد روز ستايش است بآسايش تن و آلايش جان مپردازيد اهريمنان در کمين گاهان ايستاده‌اند آگاه باشيد و بروشنی نام خداوند يکتا خود را از تيره‌گيها آزاد نمائيد دوست بين باشيد نه خود بين بگو ای گمراهان پيک راستگو مژده داد که دوست ميآيد اکنون آمد چرا افسرده‌ايد آن پاک پوشيده بی پرده آمد چرا پژمرده‌ايد آغاز و انجام جنبش و آرام آشکار امروز آغاز در انجام نمودار و جنبش از آرام پديدار اين جنبش از گرمی گفتار پروردگار در آفرينش هويدا شد هر که اين گرمی يافت بکوی دوست شتافت و هر که نيافت بيفسرد افسردنی که هر گز بر نخواست امروز مرد دانش کسی است که آفرينش او را از بينش باز نداشت و گفتار او را از کردار دور ننمود مرده کسيکه از اين باد جان بخش در اين بامداد دلکش بيدار نشد و بسته مردی که گشاينده را نشناخت و در زندان آز سرگردان بماند

﴿ای بنده‌گان﴾ هر که از اين چشمه چشيد بزنده‌گی پاينده رسيد و هر که ننوشيد از مرده گان شمرده شد بگو ای زشت کاران آز شما را از شنيدن آواز بی نياز دور نمود او را بگذاريد تا راز کردار بيابيد و او مانند آفتاب جهان تاب روشن و پديدار است بگو ای نادانان گرفتاری ناگهان شما را از پی کوشش نمائيد تا بگذرد و بشما آسيب نرساند اسم بزرگ خداوند که ببزرگی آمده بشناسيد اوست داننده و دارنده و نگهبان